

وقتی چرچیل گوسفندان را قربانی می کرد

یک صبح طوفانی در ژوئیه ۱۹۴۳، واقعه‌ای غیرعادی و پرهیاهو در سواحل خلیج گرینارد^۱ در کرانه غربی اسکاتلند مشاهده شد. گروهی از مردان، برخی با یونیفورم ارتشی، تلاش می کردند تعداد زیادی گوسفند را به داخل یک کرجی ساحلی ببرند. پس از کوشش بسیار، سرانجام گوسفندان را جا دادند و این قایق کوچک به سمت جزیره کم ارتفاع گرینارد به راه افتاد.

جزیره تقریباً هشتصد متر در دریا امتداد داشت؛ جزیره‌ای دلگیر، بادگیر و کاملاً دورافتاده. همچنین خالی از سکنه که یکی از دلایل اصلی انتخاب این محل برای انجام آزمایشی بسیار محرمانه بود. حتی مزرعه‌داران محلی مجاز نبودند درباره آن بدانند.

به نظر آلیس مک‌آیور^۲ که در آن زمان دختر جوانی بود این سروصداها بسیار هیجان‌انگیز بود: «فعالیت زیادی انجام می‌گرفت. خیلی سرگرم‌کننده بود، مخصوصاً وقتی یادت می‌افتد که اینجا جای ساکتی بوده است. ما صرفاً فکر کردیم نوعی تمرین نظامی بود.»

ولی این عملیات تمرین نظامی نبود و آن مردها هم سرباز نبودند. آن‌ها دانشمند بودند، نخبه، و از آزمایشگاه‌های پورتون^۳ در ویلتشر^۴ به اسکاتلند آمده بودند. بعضی

1. Gruinard
2. Alice MacIver
3. Porton
4. Wiltshire

از آن‌ها، مثل پُل فایلدز^۱، برای بخش بیولوژی کار می‌کردند. بقیه در استخدام مرکز تحقیقاتی حفاظت شیمیایی^۲ بودند. همه آن‌ها می‌دانستند وارد بازی پرخطری شده‌اند؛ آزمایش‌هایی که قرار بود در جزیره گرینارد، معروف به پایگاه ایکس، انجام شوند، قابلیت تغییر روند جنگ جهانی دوم را داشتند.

وینستون چرچیل شخصاً مذاکرات مربوط به استفاده از سلاح‌های بیولوژیکی را علیه آلمان نازی هدایت کرده بود. او درباره این موضوع با رؤسای ستاد خود گفت‌وگو و مراحل اولیه این طرح را پایه‌ریزی کرده بود. این طرح (با مشخصه طنزی تلخ) «عملیات گیاه‌خواران» رمزگذاری شد. چرچیل می‌خواست بداند که آیا می‌توان اطراف شهرهای آلمان را با مقدار زیادی باکتری سیاه‌زخم آلوده کرد، طوری که تعداد بسیار زیادی از مردم و همچنین دام‌ها سریع از بین بروند.

دانلد مکینتایر^۳، تاریخ‌دان بومی اسکاتلندی که آن‌زمان در نیروی هوایی سلطنتی^۴ خدمت می‌کرد، به یاد می‌آورد: «این کاری رذیلاانه بود، ولی هیچ‌کس نمی‌توانست حتی اعتراض به آن را تصور کند. زمان جنگ بود و همه می‌خواستند وطن پرستی‌شان را نشان دهند و سهمی در آن داشته باشند.»

پل فایلدز و تیم او متشکل از دانشمندان زیست‌شناس، برای تهیه مقدمات، هشتاد گوسفند را با کشتی به جزیره گرینارد بردند. همچنین عکاسی را همراه خود بردند که وظیفه‌اش ثبت کلیه اتفاقات آن چند روز در ماه ژوئیه بود.

وقتی به جزیره رسیدند، گوسفندان را در کانتینرهای مجزا قرار دادند و با روکش‌های پارچه‌ای پوشاندند. این کار برای اطمینان از آن بود که گوسفندان از راه استنشاق به سیاه‌زخم مبتلا شوند، نه از طریق باکتری‌های سیاه‌زخم موجود روی پشم‌هایشان.

باکتری سیاه‌زخمی که برای آزمایش انتخاب شده بود وُلوم ۱۴۵۷۸ نام داشت که بسیار مسری بود و اثربخشی آن قبلاً در آزمایشگاه‌ها به اثبات رسیده بود. روش اصلی انتشار بیماری این بود که باکتری‌های سیاه‌زخم را با خمپاره‌انداز شلیک کنند.

1. Paul Fildes
2. Chemical Defence Experimental Station
3. Donald Macintyre
4. Royal Air Force (RAF)

فایلدز و افرادش تصمیم عجیبی گرفتند و موقع انجام آزمایش‌ها در جزیره ماندند. با اینکه آن‌ها لباس محافظ و دستکش‌های لاستیکی می‌پوشیدند و ماسک ضدگاز می‌زدند، ولی خود را در معرض خطر بی‌سابقه‌ای قرار می‌دادند.

وقتی تجهیزات را آماده کردند و کپسول‌های حاوی باکتری سیاه‌زخم در جای خود قرار گرفتند، فرمان شلیک خمپاره‌انداز را صادر کردند. در عرض چند ثانیه، کپسول منفجر شد و توده‌ای از گازی بسیار سمی با باد شدیدی که از سوی دریا می‌وزید به سوی گوسفندان داخل کانتینرها به حرکت درآمد.

ابتدا، گوسفندان هیچ علائمی مبنی بر ابتلا به سیاه‌زخم نشان ندادند. فایلدز و تیمش با مشاهده گوسفندان که هنوز مشغول جویدن کاهبن بودند، غافلگیر شدند، ظاهراً قرار گرفتن در معرض مقدار بسیار زیادی باکتری سیاه‌زخم روی آن‌ها تأثیر نگذاشته بود؛ ولی در روز سوم پس از آزمایش، ناگهان گوسفندان یکی پس از دیگری تلف شدند، گویی فلج شده بودند و به زمین می‌افتادند. چند ساعت بعد از مرگ اولین گوسفند، تقریباً تمام گله بر اثر ابتلا به سیاه‌زخم از پا درآمدند. فقط گوسفندانی زنده ماندند که در حاشیه‌های مزرعه بودند و در نتیجه در معرض مقدار کمی باکتری قرار داشتند.

فایلدز و افرادش از تأثیر ولووم ۱۴۵۷۸ حیرت‌زده شدند. آن‌ها فهمیدند که انفجار بمب‌های حاوی مقادیر بسیار زیاد باکتری‌های سیاه‌زخم بر فراز آلمان موجب کشتار گسترده و بی‌سابقه‌ای می‌شود، ولی از اینکه نتوانسته بودند پس از آزمایش جزیره گرنارد را پاکسازی کنند وحشت‌زده شدند. مشخص شد که وقتی باکتری‌های سیاه‌زخم بر سطح زمین می‌نشینند، دیگر پاکسازی آن‌ها غیرممکن می‌شود. حتی لباس‌های آلوده آن‌ها باید سوزانده می‌شد، چون باکتری سیاه‌زخم با شست‌وشو از بین نمی‌رفت.

وقتی طوفانی پیش‌بینی نشده لاشه‌ی یکی از گوسفندان را از جا بلند کرد و به خاک اسکاتلند برد وحشت فایلدز دوچندان شد. این لاشه بلافاصله بقیه دام‌ها را آلوده کرد، به گله مخفی شده از گوسفندانی که جدا شده بودند سرایت کرد و موجب شد غرامت هنگفتی به دامداران محلی پرداخت کنند.

دانلد مکینتایر از سرعت پرداخت غرامت حیرت‌زده شد: «به ندرت پیش می‌آید که شکایت کنید و بلافاصله پولتان را بگیرید.»

مهلک بودن باکتری سیاه‌زخم هم کارایی و هم نقص آن را ثابت کرد. نحوه گسترش غیرقابل کنترل آلودگی هشدار برای چرچیل بود و این طرح موقتاً متوقف شد. ولی در بهار ۱۹۴۴، طرح باکتری سیاه‌زخم بار دیگر در دستور کار قرار گرفت. پس از برگزاری جلسات متعدد با مشاوران نظامی، چرچیل فرمان شروع ذخیره‌سازی ابتدایی پانصد هزار بمب شیمیایی سیاه‌زخم را تأیید کرد. او تأکید کرد فرمان حمله تلافی جویانه بیولوژیکی به آلمان را فقط در صورت حمله مشابه به بریتانیا صادر خواهد کرد و گفت: «اگر دشمنان ما درگیر این نوع جنگ شوند تنها بازدارنده، قدرت تلافی ما خواهد بود.»

هیئت‌های زیرمجموعه سازمان اطلاعات جنگ بیولوژیکی متذکر شدند: «فرمان اولیه تولید باکتری سیاه‌زخم بر اساس یک ارزیابی بود که این تعداد بمب برای حملات تلافی جویانه به شش شهر بزرگ دشمن کفایت می‌کند.» اما بعد از تأملی حساب شده، به نحو چشمگیری تولید باکتری‌های سیاه‌زخم را افزایش دادند.

«اکنون به این نتیجه رسیده‌ایم که برای دستیابی به پس‌آمدی در مقیاس مورد نظر ابتدایی، ممکن است لازم باشد تدارک هشت برابر این تعداد بمب را ترتیب بدهیم.» تولید سفارش اولیه زمانبر بود و بیش از آنکه کارشناسان انتظار داشتند به طول انجامید. «کارخانه‌ای که در آن بمب‌ها تولید و با باکتری سیاه‌زخم پر می‌شوند، باید تا قبل از پایان سال ۱۹۴۴ راه‌اندازی شود. بنابراین ما نمی‌توانیم قبل از بهار ۱۹۴۵ با این روش جنگی در هیچ مقیاس مؤثری درگیر شویم.»

زمانی که اولین بمب‌ها آماده شدند، گزارشی محرمانه به کمیته دفاع هیئت دولت نشان داد که سلاح‌هایی با باکتری سیاه‌زخم مهلک‌تر مورد آزمایش قرار گرفته‌اند. این بمب‌ها قابلیت داشتند تا آلمان را به زمینی بایر و غیرقابل سکونت تبدیل کنند.

مطابق گزارش: «با برآورد تأثیرش روی میمون‌ها این باکتری در یک حمله هوایی سنگین ممکن است نیمی از جمعیت یک شهر به اندازه اشته‌تگارت^۱ را نابود کند و موجب شود شهر برای چندین سال آینده غیرقابل سکونت باشد. بنابراین، واضح است

که جنگ بیولوژیکی بالقوه کشنده‌ترین سلاح است و اگر زمانی در جنگ استفاده شود، تأثیرات انقلابی خواهد داشت.»

ولی آن روزها جنگ به پایان خود نزدیک می‌شد و سلاح کشنده جدیدی، بمب اتمی، در حال تکمیل شدن بود. باکتری سیاه‌زخم دیگر کاربردی نداشت و پروژه سلاح‌های بیولوژیکی مخفیانه کنار گذاشته شد.

و جزیره گرینارد که به شدت آلوده بود، منطقه ورود ممنوع اعلام شد. به مردم بومی هشدار دادند که نباید به جزیره قدم بگذارند و علائم «وارد نشوید» سرتاسر ساحل نصب شدند. ممنوعیت ورود به جزیره تا سال ۱۹۹۰، تا زمان برداشتن خاک سطحی و اسپری کردن جزیره با محلول فرمالدهید^۱ ادامه داشت تا اینکه سرانجام گرینارد بی‌خطر اعلام شد.

هنوز کسی در جزیره زندگی نمی‌کند. این روزها، تنها ساکنان این جزیره یک گله گوسفند هستند که سرخوشانه علف‌ها را با سروصدا می‌جویند و از اینکه باکتری‌های کشنده‌ای تا چندی پیش جزیره محل زندگی‌شان را آلوده کرده بود، بی‌خبرند.

۱. Formaldehyde: محلول ضدعفونی‌کننده برای از بین بردن باکتری‌ها